

## عنوان مقاله:

تراژدی و کنش جامعه شناختی انسان معاصر

## محل انتشار:

ماهنامه علمی-تخصصی مطالعات میان رشته ای هنر و علوم انسانی، دوره 2، شماره 15 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

## نویسنده:

آبتنا هاپرلیطیان - استادیار گروه ادبیات انگلیسی، دانشکده زبانهای خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

## خلاصه مقاله:

تراژدی به عنوان یکی از اشکال نمایشی ریشه در آیین ها و مناسک مذهبی یونان باستان دارد و خاستگاه آن به اشعار دیتیرمبیک که به ستایش داینسیوس خدای باروری و شراب می پرداخت، بازمی گردد. این اشعار و سرودهای وجدآور در سده ششم قبل از میلاد توسط تسیپس به گفتارهای نمایشی تک نفره تبدیل شد. بعدها آیسخولوس شخصیت دوم را وارد نمایش نموده و امکان برقراری دیالوگ را به وجود آورد. آن گاه در سده پنجم قبل از میلاد، سوفوکل شخصیت سوم را وارد نمایشنامه کرد و امکان شکل گیری پیرنگ را که اساسا به معنای طرح و توطئه و دسیسه است، فراهم نمود. بنابراین از همان ابتدا، آن چه که این فرم ادبی را از سایر اشکال ادبی و نمایشی متمایز نمود، اهمیت عنصر تضاد، کشمکش و رنج بود. از همان ابتدا، با شکل گیری دیالوگ دینامیزم پیش برنده طرح داستانی، نوعی تضاد، دوگانگی و دیالکتیک پویا بود که به رنج و نابودی انسان ختم می شود. در این مقاله، نگارنده سعی نموده است تا با بررسی اجمالی و مقایسه دیدگاه های متفکرانی همچون فردریش هگل، گئورگ لوکاچ، تئودور آدورنو و هنریک ادویان، در ابتدا، به ماهیت کشمکش به عنوان عنصر اصلی تراژدی، اعم از این که این نوع کشمکش جنبه فردی یا متافیزیکی داشته و یا واقعیت اجتماعی در شکل گیری آن نقش دارد، بپردازد و آن گاه به این سوال پاسخ دهد که آیا انسان معاصر می تواند به عمل تراژیک دست بزند؟

## کلمات کلیدی:

تراژدی، کشمکش، عمل تراژیک، دینامیزم پیش برنده، فردریش هگل، گئورگ لوکاچ، تئودور آدورنو، هنریک ادویان

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1944091>

